

گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات مشهد عصر مشروطه: بازنمایی گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با تکیه بر نظریه فوکو

دکتر محمدعلی علیزاده (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران
0701461950@iau.ac.ir

ابراهیم حافظی

دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

دکتر ابوالفضل حسن آبادی

دکترای تاریخ، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

چکیده

انقلاب مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ه.ش) صحنه کشمکش میان گفتمان‌های سنت و مدرنیته در ایران بود. این پژوهش به بررسی نحوه بازنمایی این دو گفتمان در مطبوعات شهر مشهد می‌پردازد. با تکیه بر نظریه «قدرت/دانش» میشل فوکو، از تحلیل گفتمان کیفی برای واکاوی ۶ روزنامه شاخص مشهد خورشید، بشارت، طوس، شرق ایران، جهان زنان و بهار بهره گرفته‌ایم. نمونه‌های مورد مطالعه شامل ۱۷۵ متن کلیدی (مقالات و سرمقاله‌ها) از دوره مشروطه است. یافته‌ها نشان می‌دهد مطبوعات مشهد نه تنها اخبار را بازتاب نمی‌دادند، بلکه خود در مقام «تکنولوژی قدرت» به بازتعریف مفاهیمی مانند «قانون»، «آزادی»، «عدالت» و «هویت ملی» پرداختند. این رسانه‌ها از طریق استراتژی‌های گفتمانی (نظیر تلفیق مفاهیم دینی و مدرن یا سوژه‌سازی نوین) تلاش کردند نظم گفتار سنتی را بشکنند و سوژه‌ای جدید (شهروند آگاه) بسازند. در عین حال مقاومت ساختارهای سنتی و مذهبی، برخی خطوط قرمز را ایجاد کرد. این تحقیق نشان می‌دهد تحلیل گفتمان فوکویی قادر است لایه‌های پنهان تولید حقیقت در مطبوعات مشروطه را آشکار سازد و نقش فعال رسانه‌ها در گذار جامعه به مدرنیته را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها:

مشروطه ایران؛ مطبوعات مشهد؛ گفتمان مدرنیته؛ گفتمان سنت؛ تحلیل گفتمان فوکویی.

مقدمه

در آستانه قرن بیستم، انقلاب مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ه.ش) تحولی بنیادین در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد. این نهضت نه تنها ساختارهای سلطنت مطلقه را به چالش کشید، بلکه بستری نو برای شکل‌گیری و منازعه گفتمان‌های سنت‌گرایانه و مدرن‌گرایانه فراهم ساخت. این دوران، فضای منازعه میان گفتمان سنت‌گرا و گفتمان مدرنیته برای استقرار یک «رژیم حقیقت»^۱ جدید محسوب می‌شد. در این میان، مطبوعات به عنوان یکی از نخستین نهادهای مدرن ارتباطی، نقشی کلیدی در بازتعریف مفاهیم بنیادین همچون «ترقی»، «آزادی»، «عدالت»، «قانون»، «هویت ملی» و «آموزش» ایفا کردند.

شهر مشهد به دلیل بافت موقعیتی خاص، یعنی حضور نهادهای سنتی قدرتمند مانند آستان قدس رضوی و جایگاه مذهبی ویژه و هم‌زمان مواجهه با اندیشه‌های نوسازی و مشروطه‌خواهی، کانون تلاقی، تنش و گاه تلفیق میان سنت و مدرنیته را فراهم آورد. مطبوعات مشهد در این بازه زمانی، نه تنها بازتاب‌دهنده تحولات سیاسی و اجتماعی بودند، بلکه خود به عنوان فضایی گفتمانی، در شکل‌گیری هویت نوین سیاسی-فرهنگی شهر مشهد ایفای نقش کردند.

با وجود مطالعات گسترده‌ای که درباره مطبوعات مشروطه در مراکزی مانند تهران و تبریز صورت گرفته، خلأ پژوهشی در زمینه تحلیل محتوای مطبوعات مشروطه‌خواه مشهد و نحوه بازنمایی گفتمان‌های سنت و مدرنیته در آن‌ها، ضرورت انجام پژوهشی مستقل با رویکرد تحلیلی را آشکار می‌سازد.

مسئله بنیادین این پژوهش، واکاوی چگونگی بازنمایی سوژه «مدرن ایرانی» در تقابل با «ساختارهای سنتی» است. در حالی که جامعه آن روزگار مشهد به دلیل غلبه سنت، با مفاهیم مدرنی چون «حقوق شهروندی» یا «آموزش زنان» فاصله داشت، مطبوعات از طریق استراتژی‌های گفتمانی در پی برساختن این مفاهیم بودند. برای مثال، اگرچه در واقعیت اجتماعی، «خودآگاهی مدنی» به معنای امروزی آن شکل نگرفته بود، اما متون مطبوعاتی با به‌کارگیری تکنیک‌های «سوژه‌سازی»، سعی در تغییر جایگاه فرد از «رعیت» به «ملت» داشتند. «عموم هموطنان عزیز ما مسبوق شده و بدانند که در آتیه مملکت ایران برخلاف زمان سابق خواهد بود. و امورات مملکت در تحت قانون معینی معمول و مجری می‌شود. خیالات کهنه و پوسیده که در کانون سینه خود می‌پزند یقیناً بی ثمر و بی نتیجه خواهد ماند یعنی حقوق هر کس بصاحبش مسترد خواهد شد. احدی نمی‌تواند حق برادر دینی خود را پامال نموده...»^۲

در بررسی پیشینه تحقیق، باید میان «منابع تاریخی» و «پژوهش‌های تحلیلی» تفکیک قائل شد. آثاری چون تاریخ مشروطه کسروی، حیات یحیی و آثار ملک‌زاده، اگرچه زیربنای مستندات تاریخی این عصر هستند، اما در این مطالعه نه به عنوان پیشینه پژوهش بلکه به عنوان منابع مکمل برای مثلث‌سازی داده‌ها نگریسته می‌شوند. در مقابل، پژوهش‌هایی که به تحلیل گفتمان مشروطه پرداخته‌اند، از بافت محلی مشهد و نقش نشریات این شهر در بازنمایی گفتمان‌ها غافل مانده‌اند. چرا که، گفتمان‌ها نه صرفاً بازتاب واقعیت‌های

^۱ Truth regime

^۲ روزنامه طوس، ش ۶، ۲۵ ذیقعد ۱۳۲۷، ۱

بیرونی، بلکه کنشگرانی مؤثر در تولید حقیقت و مشروعیت بخشی به ساختارهای قدرت اند.^۳ پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه «قدرت/دانش» میشل فوکو، در پی پاسخ به این پرسش است که روزنامه‌های دوره مشروطه مشهد چگونه و از طریق چه سازوکارهای گفتمانی، به بازنمایی و تبیین مؤلفه‌های سنت و مدرنیته در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پرداختند؟

برای پاسخ به این مسئله، از روش تحلیل گفتمان فوکویی استفاده شده است. چرا که از روشهایی پرکاربرد در پژوهشهای تحلیل گفتمانی در ایران و خارج از ایران است و بسیاری از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را مدنظر قرار داده است. تحلیل گفتمان میشل فوکو فراتر از یک روش‌شناسی ساده، یک افق نظری برای درک چگونگی پیوند میان «دانش» و «قدرت» است. بکارگیری تحلیل فوکو در تحلیل محتوای روزنامه‌ها که در پژوهشهای دیگر تا کنون دیده نشده می‌تواند روش تاثیرگذاری اندیشه‌های مدنی بر سنت حاکم بر جامعه را نشان دهد و می‌تواند در این تحقیق راهگشا باشد.

داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و مراجعه به آرشیوهای کتابخانه‌ای، مراکز اسناد، نسخه‌های دیجیتال و مجموعه‌های مطبوعاتی گردآوری شد. در اینجا «نمونه‌گیری هدفمند» بر اساس میزان تاثیرگذاری و جریان سازی نشریات در فضای گفتمانی مشهد صورت گرفته است. آرشیو مورد بررسی شامل ۶ روزنامه شاخص (خورشید، بشارت، طوس، شرق ایران، بهار و جهان زنان) است که در مجموع ۱۷۵ متن کلیدی (شامل سرمقاله‌ها و مقالات انتقادی) از آنها استخراج گردید. این گزینش بر مبنای این اصل است که از منظر فوکویی، هر متنی قابلیت تحلیل گفتمانی دارد، اما متونی که در نقاط گسست و پیوند قدرت قرار دارند، رژیم حقیقت را بهتر بازنمایی می‌کنند.^۴ این ترکیب نمونه‌ها به گونه‌ای طراحی شده است که ضمن بازتاب تنوع گفتمانی، امکان بررسی دقیق استراتژی‌های زبانی و مفهومی مطبوعات در بازتعریف مرزهای سنت و مدرنیته را فراهم سازد.^۵

جدول ۱- فهرست روزنامه‌های مورد استفاده در پژوهش

ردیف	عنوان روزنامه	سال‌های انتشار در بازه مورد مطالعه	تعداد متون انتخابی	نوع متون انتخابی	محورهای محتوایی اصلی
1	خورشید	۱۳۲۵-۱۳۲۶ هـ.ق	۳۹	سرمقاله، مقاله انتقادی، خبر تحلیلی	قانون، عدالت، آموزش
2	بشارت	۱۳۲۴-۱۳۲۵ هـ.ق	۲۴	سرمقاله، مقاله انتقادی، خبر تحلیلی	دین و سیاست، هویت ملی
3	طوس	۱۳۲۸ هـ.ق	۲۸	سرمقاله، مقاله انتقادی	اقتصاد بومی، مدرنیته
4	شرق ایران	۱۳۳۴-۱۳۳۹ هـ.ق	۳۳	مقاله انتقادی، خبر تحلیلی	سیاست داخلی، قانون
5	جهان زنان	۱۳۳۸ ق.	۶	سرمقاله، مقاله انتقادی	زنان، علم، حقوق

^۳ میلز، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، ۹۱-۹۸

^۴ Foucault, Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings

^۵ برای تحلیل و کاربرد بهتر داده‌های پژوهش و انتقال مضامین تحقیق، از هوش مصنوعی ChatGPT، perplexity، notebooklm جهت ویرایش متن و توسعه تحلیل متن و طراحی نمودار استفاده شده است. بیشتر بر ویرایش متن در استفاده از این ابزار تمرکز شده است.

۶	بهار	۱۳۳۶-۱۳۴۴ هـ.ق	۴۵	سرمقاله، مقاله انتقادی	عدالت اجتماعی، دین و دولت
---	------	----------------	----	------------------------	---------------------------

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش در چهار مرحله اصلی انجام شد: در مرحله نخست، استخراج مفاهیم به صورت ترکیبی از روش واژه‌محور و معنا‌محور صورت گرفت. در گام دوم، مفاهیم استخراج شده بر اساس نقش آن‌ها به عنوان دال‌های گفتمانی صورت‌بندی شدند. در مرحله سوم، دال‌های گفتمانی در چارچوب مفاهیم فوکویی «قدرت/دانش»، «نظم/گفتار» و «زیست‌سیاست» تحلیل شدند. در گام نهایی، بر اساس یافته‌های مراحل پیشین، رژیم‌های حقیقت مسلط در مطبوعات مشهد عصر مشروطه بازسازی شد تا تصویر بهتری از نظم دانایی حاکم بر این دوره ارائه شود.

با وجود تلاش برای رعایت اصول روش‌شناختی، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است دسترسی ناقص به برخی شماره‌های مطبوعات و فقدان نسخه‌های کامل برخی نشریات، از محدودیت‌های تحقیق به شمار می‌آید.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

واکاوی تحولات عصر مشروطه از منظر تحلیل گفتمان، مستلزم درک گسست معرفت‌شناختی است که در «نظام دانایی» آن دوران رخ داد. روزنامه مجلس در همان روزگار، مردم مشهد را به دلیل «بسته بودن چشم و گوش» و محدودیت ارتباط فکری با مراکز مدرن، مورد انتقاد قرار داد و این وضعیت را نتیجه حاکمیت بسته مذهبی و ضعف ارتباطات فرهنگی مدرن دانست.^۶

مطالعات صورت‌گرفته درباره مطبوعات دوره مشروطه عمدتاً بر نقش مطبوعات در تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره متمرکز بوده‌اند.^۷ بخش زیادی از این پژوهش‌ها از منظر تاریخی یا توصیفی به تحلیل محتوای نشریات پرداخته و کمتر به تحلیل گفتمان با رویکرد نظری انتقادی توجه کرده‌اند.^۸ در این میان، چارچوب نظری میشل فوکو تاکنون در تحلیل مطبوعات مشروطه کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه مطالعات مربوط به این حوزه را می‌توان در دو سطح کلی دسته‌بندی کرد:

۱. منابع تاریخی و کرونولوژی‌های مشروطه برخی از داده‌های بنیادین این پژوهش از دل آثاری استخراج شده‌اند که اگرچه جنبه تحلیلی گفتمانی به معنای فوکویی ندارند، اما بستر تاریخی و «بافت موقعیتی» تحقیق را شکل می‌دهند. آثاری چون تاریخ انقلاب مشروطیت ایران نوشته مهدی ملک‌زاده (جلد دوم، ۱۳۸۷)، تاریخ مشروطه ایران اثر احمد کسروی (۱۳۸۵) و حیات یحیی اثر یحیی دولت‌آبادی، از جمله منابعی هستند که وضعیت سیاسی و اجتماعی آن روزگار را به تصویر کشیده‌اند. این منابع در واقعیت پژوهشی، نقش داده‌های مکمل برای مثلث‌سازی را ایفا می‌کنند تا تحلیل‌های گفتمانی از واقعیت‌های تاریخی جدا نماند. ملک‌زاده با اشاره به

^۶ س ۱، ش ۵۴، ۱۳۲۴ ق، ۴

^۷ آجانی، انقلاب مشروطه و اندیشه تجدد

^۸ رسول اف، نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح‌القدس و صوراسرافیل، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳-۳۴

تحولات مشهد، از جمله شکل‌گیری انجمن‌ها و درگیری‌های محلی میان مشروطه‌خواهان و مستبدین، زمینه‌ای تاریخی برای تحلیل فعالیت‌های روزنامه‌هایی چون خورشید فراهم می‌آورد. کسروی، با نگاهی شاهدانه، تصویری دقیق از فضای انقلابی و نقش مطبوعات در ترویج مفاهیم جدید ارائه کرده است. کتاب حیات یحیی نوشته یحیی دولت‌آبادی (جلد دوم، ۱۳۶۲) و تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم‌الاسلام کرمانی (جلدهای دوم و سوم، ۱۳۸۱) نیز با پرداختن به وقایع انقلاب مشروطه، تشکیل مجلس، قانون اساسی و نقش روشنفکران، می‌توانند در تحلیل تطبیقی بین متون روزنامه‌ای و وقایع کلان سیاسی آن دوره مورد استفاده قرار گیرند.

از منظر تاریخ مطبوعات، کتاب‌های تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمد صدر هاشمی (جلدهای ۱ و ۲) و تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران نوشته محمد محیط طباطبایی، اطلاعاتی مستند در باره ساختار، محتوا، صاحب امتیاز و جهت‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی روزنامه‌های عصر مشروطه ارائه می‌دهند.

۲. مطالعات تحلیلی و گفتمانی مطبوعات در سطح دوم، پژوهش‌هایی قرار دارند که با رویکردهای علمی به واکاوی نقش مطبوعات پرداخته‌اند. برای نمونه، مطالعاتی که بر بازنمایی گفتمان‌های سنت و مدرنیته در مطبوعات ملی تمرکز داشته‌اند، نشان می‌دهند که رسانه‌ها در این دوران صرفاً طراح گفتمان نبودند، بلکه به مثابه «تکنولوژی‌های قدرت» در تولید رژیم حقیقت نقش ایفا می‌کردند. در این میان، نشریاتی چون «خورشید» و «طوس» در مشهد، به دلیل یافت موقعیتی خاص این شهر، کانون بازنمایی مفاهیم چالش‌برانگیزی چون «عدالت»، «ترقی» و «آزادی» بودند.

برخی از پژوهش‌های انجام شده، به بررسی جایگاه زنان و آموزش در مطبوعات پرداخته‌اند. برای مثال، تحلیل محتوای نشریاتی چون جهان زنان نشان‌دهنده مقاومت‌های شدیدی است که در بافت مذهبی مشهد در برابر مفاهیم مدرن وجود داشته است. این مطالعات تصریح می‌کنند که بازنمایی حقوق زنان در آن مقطع، با استراتژی‌های طرد و نظارت همراه بوده و به دلیل عدم آمادگی ساختارهای اجتماعی، منجر به برخوردهای حذفی با نخبگانی چون فخرآفاق پارسا شده است.^۹ با این حال، اکثر این پژوهش‌ها از منظر جامعه‌شناختی یا تحلیل محتوای کیفی به موضوع نگرسته‌اند و کمتر به سراغ واکاوی «رابطه قدرت/دانش» رفته‌اند.

مقاله «زنان و حقوق نویافته در روزنامه‌های تمدن، خورشید و کوكب دری» نوشته زینب زمردیان و غلامرضا وطن‌دوست^{۱۰} به نقش مطبوعات عصر مشروطه در بازنمایی مطالبات زنان پرداخته است. به مشارکت زنان در امور ملی، از جمله خرید سهام بانک ملی با فروش زیورآلات یا لوازم منزل، اشاره شده است. همچنین به شرایط سخت معیشتی که گاه خانواده‌ها را ناگزیر به فروش دختران خود به خوانین می‌کرد، پرداخته است. از منظر فوکویی، این بازنمایی‌ها را می‌توان تلاشی برای بازتعریف جایگاه اجتماعی زنان دانست.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید» نوشته محمد بیطرفان^{۱۱}، ضمن تحلیل موضوعاتی چون تأسیس مدارس، ناهنجاری‌های اجتماعی، و خواسته‌های عمومی مردم در قالب نامه‌ها و گزارش‌ها نشان می‌دهند که چگونه فضای رسانه‌ای به عرصه‌ای برای بیان مقاومت‌های محلی، بازآفرینی زبان قدرت، و نظم‌بخشی به میل به ترقی بدل شده است.

^۹. ترابی فارسانی، زن ایرانی در گذر از سنت به مدرن، ۹۷-۱۰۰.

^{۱۰} پژوهش‌های علوم انسانی، زنان و حقوق نویافته در روزنامه‌های تمدن، خورشید و کوكب دری، ۱۸۹-۲۱۷.

^{۱۱} مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)، ۷-۳۳.

۳. تحلیل گفتمان فوکویی و خلاء پژوهشی نظریه میشل فوکو بر این فرض استوار است که گفتمان‌ها، رژیم‌های حقیقتی را تولید می‌کنند که سوژه‌ها را در درون خود صورت‌بندی می‌نمایند.^{۱۲} در پیشینه‌های موجود، اگرچه به تقابل سنت و مدرنیته اشاره شده، اما چگونگی عملکرد مطبوعات به عنوان ابزار سوژه‌سازی کمتر مورد توجه بوده است.

در مجموع، مرور این منابع نشان می‌دهد که روزنامه‌های محلی مشهد به مثابه بازتابی از جامعه مشهد دوره مشروطه، هم در حوزه‌های اجتماعی (نقد حکام، عدالت‌خواهی، مشارکت زنان) و هم در حوزه‌های سیاسی (پاسداشت مشروطیت، مقابله با استبداد) نقش فعالی داشته و تحلیل محتوای آن می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از نسبت سنت و مدرنیته در گفتمان‌های مطبوعاتی آن عصر منجر شود.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش: تحلیل گفتمان فوکویی و گذار به مدرنیته^{۱۳}

در این پژوهش، مباحث نظری در شش محور اصلی صورت‌بندی شده‌اند تا چرایی و چگونگی مبارزه گفتمانی در مطبوعات عصر مشروطه مشهد تبیین گردد.

۱. تبارشناسی قدرت و تولید «رژیم حقیقت» در رسانه

نخستین پایه نظری این نوشتار، درک فوکویی از مفهوم «حقیقت» است. از منظر فوکو، حقیقت امری استیلائی و از پیش موجود نیست که رسانه‌ها صرفاً آن را کشف یا طراحی کنند؛ بلکه حقیقت «محصول» سازوکارهای قدرت است.^{۱۴} فوکو فرآیندهای تولید گفتمان را نیز در پیوند با قدرت تحلیل می‌کند؛ فرآیندهایی که در آن‌ها برخی گزاره‌ها و گفتمان‌ها سرکوب، برخی مشروع و «حقیقی» تلقی می‌شوند. این فرایند که او آن را «اراده معطوف به حقیقت» می‌نامد، مکانیسمی است که با آن گفتمان‌های خاصی به عنوان مشروع و مسلط تثبیت می‌شوند.^{۱۵} از دیدگاه فوکو، قدرت نه تنها در نهادهای سیاسی بلکه در سراسر جامعه جاری است و نقشی مولد ایفا می‌کند؛ به طوری که هر جا قدرت اعمال می‌شود، دانش نیز تولید می‌گردد.^{۱۶}

در حالی که نیروهای سنتی از طریق منبرها، رسائل و شبکه‌های مذهبی به مقاومت گفتمانی پرداختند و با برجسب‌هایی چون «غرب‌زدگی» یا «فساد اخلاقی» کوشیدند گفتمان تجدد را بی اعتبار سازند و رژیم حقیقت خود را بازتولید کنند،^{۱۷} روزنامه‌هایی مانند وقایع اتفاقیه، اختر و حبل‌المتین، مفاهیمی چون «تمدن»، «قانون»، «آزادی» و «پیشرفت» را در برابر «جهل»، «استبداد» و «خرافه» قرار دادند و بدین‌سان به صورت فعال در ساختار طرد و شمول گفتمان مدرنیته نقش ایفا کردند.^{۱۸}

^{۱۲} داوودی، نظریه گفتمان و علوم سیاسی، ۵۶-۵۷.

^{۱۳} Perplexity، ایده و دسته بندی "شش محور اصلی چارچوب نظری" سپتامبر ۲۰۲۵، / <https://www.perplexity.ai>

^{۱۴} فرکلاف، تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه ایزدی، پیروز و دیگران، ۱۱

^{۱۵} حسینی‌زاده، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی: ۱۸۶

^{۱۶} دریفوس، میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه: ۳۱

Foucault, Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings

^{۱۷} Boroujerdi, Iranian Intellectuals and the West: The Tormented Triumph of Nativism

^{۱۸} Foucault, Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings

رسانه‌ها تولیدکننده رژیم حقیقت هستند. در واقع، هر جامعه‌ای دارای «رژیم حقیقت» خود است. فوکو در آثارش از جمله باستان‌شناسی دانش^{۱۹} و نظم گفتار^{۲۰}، نشان می‌دهد که هر گفتمان، یک «رژیم حقیقت» می‌سازد.

مطبوعات مشهد در عصر مشروطه، به مثابه تکنولوژی‌های قدرت عمل می‌کردند. این نشریات با استفاده از «نظم گفتار»، مرز میان آنچه حقیقت (مدرنیته، ترقی، قانون) و آنچه کذب (استبداد، خرافه، عقب‌ماندگی) انگاشته می‌شد را ترسیم می‌کردند.

۲. گسست در نظام دانایی (اپستمه) و تقابل سنت و مدرنیته

دوران مشروطه را می‌توان یک «گسست معرفت‌شناختی» در تاریخ ایران دانست؛ نقطه‌ای که در آن «نظام دانایی» کهن فروپاشید و راه برای ظهور دانشی جدید هموار شد. در حالی که گفتمان سنت بر مفاهیمی چون «مشروعیت الهی»، «تکلیف» و «رعیت‌بودن» استوار بود، گفتمان مدرن مطبوعات مشهد در پی استقرار دال‌های جدیدی چون «حاکمیت ملی»، «حقوق» و «شهروندی» برآمد. حضور زائران، مهاجران و طلاب علوم دینی از نقاط مختلف، همراه با انتشار محدود اما مؤثر مطبوعاتی چون خورشید و بشارت، امکان‌آشنایی با مفاهیم آزادی، قانون و پیشرفت را برای بخشی از جامعه شهری فراهم ساخت^{۲۱}. با این همه، تا پیش از تثبیت مشروطه، وزن گفتمان سنتی و نفوذ نهادهای مذهبی همچنان بر حیات فرهنگی و اجتماعی مشهد سنگینی می‌کرد.

گفتمان از دید فوکو دارای نقش تاریخی است و همواره در پیوند با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. گفتمان‌ها نه تنها به واسطه قدرت شکل می‌گیرند، بلکه خود نیز به ابزاری برای اعمال و تثبیت قدرت به‌ویژه در عرصه‌هایی چون رسانه بدل می‌شوند.^{۲۲}

از منظر فوکویی تقابل سنت و مدرنیته در بافت موقعیتی مشهد، به دلیل حضور نهادهای سنتی قدرتمند، نشان‌دهنده تلاش برای بازسازی رژیم دانایی است. مطبوعات سعی داشتند مفاهیم سنتی را بازتعریف کرده تا نظام دانایی جدیدی را که متناسب با نیازهای جامعه مدرن بود، مستقر سازند.

۳. سوژه‌سازی و گذار از «رعیت» به «ملت»

یکی از محوری‌ترین مباحث نظری فوکو، چگونگی شکل‌گیری «سوژه» در بطن گفتمان است. قدرت، سوژه‌ها را از طریق دانش تولید می‌کند. رسانه‌های مشهد از طریق متون خود، مخاطب را نه به عنوان یک «رعیت» تابع محض، بلکه به عنوان یک «شهروند» صاحب حق و تکلیف خطاب می‌کردند. «... ای علماء اسلام وای هم مسلکان محترم وای خیرخواهان مملکت! وای اولیای امور آیا رعیت این حدود از ملت این آب و خاک نیستند آیا ناموس اینها ناموس ما محسوب نمیشوند آیا کسی هست بداد این یکمشت رعیت بدبخت برسد»^{۲۳}.

^{۱۹} Foucault, The Archaeology of Knowledge

^{۲۰} Foucault, Discipline and Punish: The Birth of the Prison

^{۲۱} متولی حقیقی، تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ۷۰-۷۱

^{۲۲} نصیری‌پور، علوم اجتماعی و مناسبات دانش-قدرت در اندیشه میشل فوکو: ۳۲۴-۳۴۳؛ داوودی، نظریه گفتمان و علوم سیاسی: ۷۲.

^{۲۳} روزنامه شرق ایران، ش ۳۵، ۲ جمادی الثانی ۱۳۳۶، ۲

روزنامه‌ها نه فقط بازتاب‌دهنده که تولیدکننده گفتمان‌های جدید هستند: آنها ایده‌هایی چون «مدرسه»، «انتخابات»، «نهاد مدنی»، «زنان»، «آموزش»، و حتی «روزنامه‌نگاری» را به مثابه ابزار تمدن مطرح کرده‌اند. «شما در عصر عدالت و مشروطیت نمیتوانید مردم را از خواستن اصول عدالت منع کنید و تضلمات آنها را عداوت و دشمنی قلمداد نمایید.....»^{۲۴}

رسانه با بازنمایی جدید از انسان ایرانی، در پی تولید تپیولوژی جدیدی از عاملیت بود که با نظم قانون‌مدار همخوانی داشته باشد. (...) امروزه ملت ایران پی بحقوق خاک پاک و وطن عزیز خود برده ممکن نیست اجنبی را مجال تصرف در مملکت و عرض و ناموس خود بدهد...»^{۲۵}

۴. زیست‌سیاست (Biopolitics) و مدیریت بدن در گفتمان مشروطه

در چارچوب نظری فوکو، زیست‌سیاست به معنای ورود زندگی و بدن به قلمرو محاسبات قدرت است. در مطبوعات مشهد، بازنمایی مفاهیمی چون «آموزش عمومی»، «تأسیس مدارس نوین» و «حفظ‌الصحه عمومی»، همگی ذیل استراتژی مدیریت زیست‌سیاست قابل تحلیل هستند. رسانه با تأکید بر بهداشت و تربیت فرزندان، در واقع در حال تولید دانش بود که بدن را به ابزاری برای قدرت ملی تبدیل می‌کرد. «باید دختر تحصیل نماید تا بتواند کتب و جرایدی که برای دستور خانه داری و بچه داری می نویسند بخواند....»^{۲۶}

«... زن اگر حفظ‌الصحه نداند - بچه یا سقط شده اگر خیلی پوست کلفت باشد به دنیا آمده لیکن بواسطه نقص صاحب کارخانه بعد از دو روز یا دوماه یا دو سال سقط میشود....»^{۲۷}

این «بازنمایی زیست‌سیاسی»، پیش‌درآمدی بر نهادسازی‌های دوران پهلوی بود. در این پژوهش، زیست‌سیاست به عنوان یک «ضرورت گفتمانی» واکاوی می‌شود که مطبوعات مشهد برای نخستین بار آن را به حوزه عمومی کشاندند تا بدن ایرانی را از چنبره طب سنتی و رخوت آموزشی خارج کنند.

۵. بافت موقعیتی مشهد: مبارزه در قلب سنت

تحلیل گفتمان فوکویی بدون در نظر گرفتن «بافت موقعیتی»^{۲۸} ناقص است. مشهد در دوره مشروطه، شهری با قطب‌بندی‌های شدید مذهبی و سیاسی بود. مشهد دارای ترکیبی از روحانیت پرنفوذ، تجار روشنفکر، پیه‌شوران، و گروهی از روشنفکران مهاجر بود که به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شدند: بازرگانان روشنفکر، کارکنان دولت و معلمان مدارس جدید، روزنامه‌نگاران، و روحانیون اصلاح‌طلب.^{۲۹} نفوذ آستان قدس رضوی در ساختار اجتماعی مشهد بسیار بالا بود و این نهاد هم یک مرکز مذهبی و هم یک قدرت

^{۲۴} روزنامه بهار، ش ۳، ۲۴ جمادی الاول ۱۳۳۷، ۱

^{۲۵} روزنامه خورشید، ش ۴۷، ۱۲ شعبان ۱۳۲۵، ۲

^{۲۶} جهان زنان، ش ۱، ۱۵ دی ۱۳۹۹، ۸-۹

^{۲۷} روزنامه طوس، ش ۲۴، ۱۳ صفر ۱۳۲۸، ۳

²⁸ Situational context

^{۲۹} متولی حقیقی، تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، ۷۲-۷۹، ۹۳.

اقتصادی-سیاسی به شمار می‌رفت.^{۳۰} مراجع مذهبی، فضایی را ایجاد کرده بودند که هرگونه گفتار مدرن باید در نسبت با «شرع» و «سنت» تعریف می‌شد. در دوره قاجار، جایگاه مشهد به دلیل نزدیکی به مرزهای شرقی، اهمیت مذهبی، و موقعیت اقتصادی-تجاری ویژه، بیش از پیش برجسته شد.^{۳۱} پیش از انقلاب مشروطه، شورش‌ها و بحران‌هایی در شهر مشهد روی داد که این شهر را به کانونی علیه استبداد تبدیل کرد، هرچند مخالفت‌های عمیقی با جنبش مشروطه نیز در این شهر وجود داشت. طبقات اجتماعی شهر مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت نیز ترکیبی از نیروهای مخالف و موافق بودند. همچنین وابستگی‌های عمیقی با روسیه یا انگلیس در بین آنان به چشم می‌خورد که آن‌ها را رو در روی یکدیگر قرار می‌داد.^{۳۲} در این دوران، علاوه بر تأسیس کنسولگری‌های قدرت‌های خارجی چون روسیه و بریتانیا، مشهد درگیر رخدادهایی چون امتیاز رژی و تحریم تنباکو بود. این وقایع، نقش مؤثر روحانیون، بازرگانان و نهادهای دینی را در تحولات اجتماعی-سیاسی شهر برجسته ساخت.^{۳۳}

این ویژگی‌ها باعث شد که مطبوعات مشهد استراتژی‌های گفتمانی منحصربه‌فردی را برگزینند. آن‌ها برای تولید رژیم حقیقت خود، ناگزیر به «تلفیق» مفاهیم مدرن با آموزه‌های مذهبی بودند تا از «طرد» توسط جامعه مذهبی جلوگیری کنند. «... امیدواریم بمقتضای نیت پاک که این شاهزاده عالم متدین را مسلم است زمان جور و بیداد منقضی شده و بساط عدل و داد در این پای تخت مذهبی مسلمانان و مرجع عامه شیعیان گسترده آید درحقیقت این اولین حکمران قانونی است که پس از تشکیل مجلس مقدس شورای ملی بما مرحمت شده و عنقریب پس از رسیدن نظامنامه‌های ایالتی و بلدی و قانون عدلیه موجبات آسایش عامه از حسن توجه این فرمانفرمای عدالت پرور فراهم خواهد آمد.»^{۳۴} با این حال، همان‌طور که در مورد نشریاتی چون جهان زنان دیده شد، کرانه‌های گفتمانی مشهد اجازه عبور از برخی خطوط قرمز مانند حقوق مساوی زن و مرد و لزوم تعلیم زنان را نمی‌داد و مکانیسم‌های سرکوب و طرد بلافاصله فعال می‌شدند و بر همین پایه بود که فخر آفاق پار سا مدیره این مجله نهایتاً جهان زنان را منتقل و تعطیل نمود و خودش تبعید شد. این بافت، نشان‌دهنده پیچیدگی رابطه قدرت/دانش در یک شهر مذهبی است که در آن مطبوعات ناگزیر به مبارزه‌ای چندلایه برای تغییر نظم گفتار بودند.

۶. رسانه به مثابه فضای بازنمایی و مقاومت

رسانه در نگاه فوکویی، تنها بازتاب‌دهنده واقعیت نیست، بلکه خود «فضای مبارزه» است. مطبوعات مشهد مکانی بودند که در آن گفتمان‌های رقیب (مشروطه‌خواه و مستبد، سنتی و مدرن) برای تسخیر سوژه‌ها با هم می‌جنگیدند. مفاهیمی چون «عدالت اجتماعی»، «سرمایه‌داری بومی» و «استقلال اقتصادی»، همگی ابزارهای مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان و استبداد داخلی بودند.

^{۳۰} بشیری، کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس از انقلاب مشروطه ایران، ۲۴؛ ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ۳۳۳-۳۳۷.

^{۳۱} احمدی، خوش بین، مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه، ۵-۱۰.

^{۳۲} گودرزی بروجردی، بازنگاری و تحلیل ساختار طبقات اجتماعی مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت، 195-216.

^{۳۳} صحت منش، انگیزه‌ها و اهداف تأسیس کنسولگری بریتانیا در مشهد در عصر قاجار، ۱۰۲-۱۰۴.

^{۳۴} روزنامه خورشید، ش ۱۲، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ۱.

«ما تا لاقابل لباس خود را از خود نداشته باشیم نمیتوانیم مدعی استقلال اقتصادی باشیم و نباید منتظر باشیم که روزی دارای ثروتی شویم که ما را از اجانب مستغنی نماید...»^{۳۵}

اگرچه در واقعیت اقتصادی آن دوره، سرمایه‌داری بومی به معنای کلاسیک وجود نداشت، اما «اراده به تولید» این گفتمان در مطبوعات نشان‌دهنده تلاش نخبگان برای بر ساختن یک قدرت ملی بود. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه دانش تولید شده در مطبوعات، راه را برای تغییرات ساختاری آینده هموار کرد، هرچند در زمان خود با بن‌بست‌های سیاسی مواجه گردید.

یافته‌های پژوهش: واکاوی گفتمان مدرنیته و سنت در مطبوعات مشهد^{۳۶}
تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مطبوعات مشهد در بازه زمانی مورد مطالعه، فضایی برای مبارزه میان دو نظام دانایی متفاوت بودند. این نشریات صرفاً بازتاب‌دهنده وقایع نبودند، بلکه به عنوان تکنولوژی‌های قدرت، در پی تولید رژیم حقیقت جدیدی برآمدند که سوژه ایرانی را بازتعریف می‌کرد.

۱. گفتمان سیاسی: بازسازی اقتدار و تولید سوژه «ملت»

یکی از اصلی‌ترین یافته‌های پژوهش، تلاش مطبوعات برای گسست از مفهوم «رعیت» و تولید سوژه «ملت» است. در نظام دانایی سنتی، اقتدار سیاسی امری آسمانی و از بالا به پایین بود. محمد علی شاه در پاسخ به عریضه‌های مردمی می‌گوید جواب بنویسید: «فضولی موقوف کنید تعیین حکومت به میل رعیت نیست» یا «رعیت حق این گونه عرایض را ندارد یا به تو چه ربط دارد، ولایت حاکم دارد». ^{۳۷} مطبوعات مشهد با بازنمایی مفاهیمی چون «مجلس»، «قانون اساسی» و «انجمن‌های ایالتی»، رژیم حقیقت جدیدی را پی‌ریزی کردند.

«خراسان، بیک عدلیه صحیحی محتاج است که در اجرای حق و عدالت هیچ پروا نداشته مدافع حقیقی ملت باشد. با تنگی مال یاکمیابی غلات و ارزاق، یا گرانی فوق العاده اجناس، خراسان امروزه محتاج بیک بلدیة قانونی است.»^{۳۸}

روزنامه‌هایی مانند خورشید و طوس، قانون را نه به عنوان یک متن اداری، بلکه به عنوان «شرط سعادت ملت» بازنمایی می‌کردند. این نشریات با استفاده از استراتژی مشروعیت‌بخشی، قانون را با مفاهیم دینی پیوند می‌زدند تا مقاومت نیروهای سنتی را کاهش دهند.

^{۳۵} روزنامه بهار، ش ۱۰، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۴۰، ۲

^{۳۶} ChatGPT، notebooklm، ویرایش متن و توسعه تحلیل محتوا برای "یافته‌های پژوهش و ترسیم جداول تحلیلی" سپتامبر ۲۰۲۵، / <https://chatgpt.com>، / <https://notebooklm.google>

^{۳۷} آدمیت و ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ۳۷۸.

^{۳۸} روزنامه شرق ایران، ش ۲، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۵، ۲

«قانون اساسی بندگان خدا را از قید رقت و عبودیت غیر خدا خلاص و آزاد کرده حقوق و حدود را معین داشته ... قانون اساسی بنیان عدالت و مساوات را محکم و اساس ظلم و استبداد را منهدم می سازد قانون اساسی یگانه دادرس ملهوفین و اولین دادخواه مظلومین است.»^{۳۹}

خودآگاهی مدنی در دوره مشروطه به وضوح قابل مشاهده نیست. حیدرخان عمو اوغلی درباره بیتفاوتی مردم مشهد یادآور میشود که در تمام مدت یازده ماه اقامت در خراسان مردم بقدری نارس بودند که سعی من در این ایام بینتیجه ماند و مطلقاً کلمات مرا درک نمیکردند.^{۴۰}

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مطبوعات از طریق «اراده به دانش»، در پی بر ساختن سوژه‌ای بودند که خود را صاحب حق می‌داند. این سوژه‌سازی در تقابل مستقیم با نظام استبدادی قرار داشت که فرد را تنها در مقام اطاعت تعریف می‌کرد.

«شماها که هر یک سالهای سال است در تشییع آثار فرعونیت خرجها کرده و رنجها برده‌اید، و برای هر چند ماه حکمرانی به ترضیع حقوق حقه افراد ایرانی اقدام کرده‌اید و محض ابقای خود بجحومت از القای هرگونه خصومتی در میان رعیت کوتاهی نداشته‌اید.»^{۴۱} این جمله با استفاده از تشبیه‌های قدرتمند، نه تنها به فساد و بهره‌کشی اشاره می‌کند، بلکه همزمان یادآور تاریخ ظلم و استبداد نیز می‌شود.

«بیچاره ملت نجیبی که سالیان بی ناموس بوده انواع بلیات را میدیدند و اقسام مصیبات را میچشیدند و مجبور در افعال یارای لا ونعم گفتن و قدرت سربرتافتن ندا شتند امروز که یکباره از خواب غفلت بیدار و از مستی جهالت هشیار شده ... و بمطالبه حقوق مشروعه خود برخاسته لوای اتحاد و اتفاق برافراشته ...»^{۴۲} به رهایی انسان از قید رعیت بودگی به انسان دارای حق شهروندی اشاره می‌کند.

۲. گفتمان اجتماعی: آموزش نوین و نطفه‌های «زیست‌سیاست»

یافته‌ها حکایت از آن دارد که مطبوعات مشهد نقشی کلیدی در مدیریت جمعیت از طریق ترویج بهداشت و آموزش ایفا کرده‌اند. این امر دقیقاً با مفهوم «زیست‌سیاست» فوکو همخوانی دارد که در آن قدرت به دنبال نظارت و بهبود کیفیت زندگی برای تقویت بنیه ملی است.

تأکید بر تأسیس «مدارس نوین» و «دارالتربیه» در روزنامه‌هایی چون بشارت و بهار، فراتر از یک فعالیت فرهنگی، تلاشی برای تولید دانشی بود که سوژه‌های کارآمد برای رژیم جدید تولید کند.

^{۳۹} روزنامه خورشید ش ۶۰، ۲۵ رمضان ۱۳۲۵

^{۴۰} عباسی، نجف زاده، طلاب قفقازی و نقش آنان در تحولات سیاسی- اجتماعی مشهد در اواخر عصر قاجار، ۴۷

^{۴۱} روزنامه بهار، ش ۱۱، ۱۷ شوال ۱۳۳۶، ۱

^{۴۲} روزنامه بشارت، ش ۲۷، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۵، ۱

«خدمت عموم هموطنان عرض میشود که نظامنامه بجهت مدارس جدید و سایر مکاتیب قدیمه که اگر از روی این نظامنامه تدریس کنند اطفال را بزودی زود بدرجه ترقی فایز می نمایند.»^{۴۳}

«بهر حال لازم است که امروز باندازه مقدور در ازدیاد مدارس ابتدائیه در اقصاد مملکت کوشش نمود... و از طفره هایی که تاکنون در تحصیلات معمول بوده بشدت جلوگیری شود.»^{۴۴} در این متون آموزش از نظریه فوکو به مثابه تکنولوژی قدرت رژیم حقیقت جدیدی می سازد که برای بهبود شیوه زندگی موثر قلمداد می شود.

یافته ها نشان می دهد که بازنمایی حقوق زنان (مانند آموزش و مشارکت اجتماعی) یکی از پرتنش ترین حوزه های گفتمانی بوده است. در ایران مسئله زنان هنگامی مطرح شد که انقلاب مشروطه فرصت را برای زنان فراهم آورد که در برخی نشریات یا با انتشار نشریه ویژه زنان به دفاع از حقوق اولیه خود چون آموزش و داشتن شغل روی آوردند.^{۴۵} در حالی که نشریاتی چون طوس و جهان زنان بر لزوم آگاهی زنان برای تربیت نسل جدید تأکید داشتند، بافت مذهبی مشهد و سازوکارهای طرد، مانع از تحقق کامل این گفتمان می شد.

«افسوس که طهران تنها در میان شهرهای ایران این خوش بختی را بزنهاى ساکن خویش روا داشته، سایر ولایات گویا باغ وحش یا مجسمه خانه است و هیچ از این حرفها نمی زنند اگر هم کسی بگوید که مدرسه نسوان لازم داریم بمحض گفتن این حرف تکفیرش میکنند پس ما بیچارگان که تازه در این عرصه قدم گذاشته و اسم علم و دانش را شنیده و ترقی خواهرهای طهرانی (تهرانی) خود را بتوسط جراند میخوانیم چه قدر باید صبر کنیم که این خیال عالی در مغز خراسانیان هم جای گیر شود...»^{۴۶}

۳. گفتمان اقتصادی: استقلال و بر ساخت «سرمایه داری ملی»

در حوزه اقتصاد، مطبوعات مشهد به جای پذیرش واقعیت اقتصاد وادارسته، استراتژی «مقاومت گفتمانی» را برگزیدند. آنها با ترویج مفاهیمی چون «بانک ملی» و «تحریم کالاهای خارجی»، در پی تولید یک سوژه اقتصادی خودکفا بودند.

ایجاد بانک ملی و رهایی از نیاز به استقراض بیگانه که ملت ایران آن را از اصلی ترین دلایل بی ثباتی کشور می دانست موردی است که روزنامه خورشید در چند شماره درباره لزوم تشکیل آن تأکید دارد.^{۴۷}

«اقلایبائید همت کنید و یک چندی استعمال امتعه (کالا، متاع) خارجه را بر خود حرام نمائید هم حس ملی خود را بخرج داده اید و هم از ملیونها پول وطن عزیز که لا ینقطع مثل سیل سرشار بکیسه اجانب میریزد جلوگیری کرده اید.»^{۴۸}

^{۴۳} روزنامه بشارت، ش ۲۸، ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۵، ۱

^{۴۴} روزنامه بهار، ش ۱۳، ۲۵ شوال ۱۳۳۶، ۱

^{۴۵} وطن دوست، بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران، ۱۳

^{۴۶} روزنامه طوس، ش ۲۴، ۱۳ صفر ۱۳۲۸، ۴

^{۴۷} خورشید، ش ۹، ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۵، ۷؛ ش ۱۰، ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۵، ۲-۱

^{۴۸} روزنامه طوس، ۳۶، ۳ ربیع الآخر ۱۳۲۸، ۲

تحریم کالای خارجی، تولید داخلی، بانک ملی و شاهنشاهی، توسعه صنعت و کارخانه ها از پر بسامدترین واژه های مقالات اقتصادی روزنامه های مورد تحقیق هستند که رسانه سعی دارد با اشتراک آن در جامعه به تهییج آن و تغییر سوژه رویه اقتصادی پردازد و مرور محتوای روزنامه ها موفقیت این رژیم حقیقت جدید را تا اندازه ای روشن می سازد.

یافته ها نشان می دهد که روزنامه ها با پیوند زدن استقلال اقتصادی به غیرت دینی، رژیم حقیقتی تولید کردند که در آن خرید کالای خارجی به مثابه تضعیف اسلام بازنمایی می شد.

«این سستی را سبب چیست و این توانی را جهت چه؟ شما را بخدا اگر بیکارها و بیعارهای شما عسکر اسلام باشند و حفظ سعور مسلمانان نمایند بهتر از بیکاری و بیماری نیست؟ اگر گداهای بی معرفت که عالمی را به تنگ آورده اند کاسب و نماز گذار باشند و دنبال کار معاش و معاد خود بروند بهتر از گدائی و در بدری نیست ...»^{۴۹} این رویکرد، پاسخی بود به فقر و فشار مالی حاکم بر جامعه که از طریق گفتمان «ترقی» و «توسعه بومی» به چالش کشیده می شد.

۴. استراتژی های گفتمانی: شیوه های تولید حقیقت

تحلیل دقیق متون نشان می دهد که مطبوعات مشهد از سه استراتژی اصلی برای پیشبرد گفتمان مدرنیته استفاده می کردند:

۱. **استراتژی شمول و طرد:** نشریات با «خرافه» خواندن برخی سنت ها، آن ها را از دایره رژیم حقیقت خارج کرده و دانش جدید را به عنوان تنها راه «سعادت و ترقی» معرفی می کردند.

«حال که بحمدالله بعد از هزار و سیصد سال مردهای ما در خیال مسلمانی افتاده اند در هر مجلسی صحبت از علم و اتحاد و مساوات و مشروطه است خصوصاً در عشق آباد که مردهای با غیرت ما شب و روز در خیال ترقی ملت میباشند و بنای مکتب و انجمن خیریه گذارده اند ما هم من بعد پولهاییکه بفال بین و جن گیر میدادیم و موهوم جهت خود میخریدیم در راه تربیت اطفال بیگانه خودمان خرج نمائیم.»^{۵۰}

۲. **استراتژی تلفیق:** برای کاهش مقاومت در بافت مذهبی مشهد، مفاهیمی چون «حریت» با «عدالت اسلامی» پیوند زده می شد. برای مثال، قیام عاشورا به عنوان الگویی برای آزادی خواهی و مشروطه طلبی بازنمایی می شد.

«فوائد ملی عزاداری همه ساله شیعیان در ایام عاشورا برای پیشرفت و قوت مذهب تشیع بخوبی معلوم میشود و هر قوم و ملتی که بنیان ملت و قومیت خود را محکم بخواهد باید در اقدام بمراسم اعیاد ملی بیشتر سعی و کوشش کند....»^{۵۱}

ارزش هایی مانند احترام به گذشتگان، پاسداشت بزرگان و قهرمانان و حفظ تاریخ و هویت گذشته نشان دهنده نگرش سنت گرا است. در عین حال، به ضرورت الگوگیری از مناسبت های دینی برای توسعه و پیشرفت اشاره شده که جنبه ای از نگاه مدرن را نیز در خود دارد.

^{۴۹} خورشید ش ۲۷۶۱ رمضان المبارک ۱۳۲۵

^{۵۰} روزنامه خورشید، ش ۵۷، ۱۴ رمضان ۱۳۲۵، ۳

^{۵۱} روزنامه خورشید، ش ۲۶، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵، ۲

۳. استراتژی سلب مشروعیت: مطبوعات با برجسته کردن «فساد اداری» و «ناکارآمدی ساختار قدیم»، رژیم حقیقت پیشین را بی اعتبار کرده و مشروطه را به عنوان تنها راه نجات معرفی می کردند.

آنهایکه از دولت خود تاسیس يك اداره قانونی منظمی را خواسته بودند نظر بمفا سدی بود که در روش گذشتگان یافته بودند و نظر یحیف ومیل هایی بود که میشد و نظر بسرقت هائی بود که بوسیله قره سوران ها در تمام طرق وشوارع روی میداد - و باز نظر بپولهایی بود که این طایفه از عابرین فقیر و مالدارها دریافت میدا شتند. ... پس باید تشکیلات ژاندارمری را روح داد حقوق قره سورانی باید منسوخ شود.^{۵۲}

۵. سازوکارهای گفتمانی روزنامه های دوره مشروطه مشهد در تطبیق با نظریه فوکو

جدول ۲- سازوکارهای گفتمانی در بازنمایی مدرنیته (منبع: نگارنده)

حوزه	سازوکار گفتمانی	نمونه های بازنمایی در مطبوعات	تحلیل از منظر نظریه فوکو
اقتصادی	گفتمان توسعه گرایی و اقتصاد بومی	تأکید بر ترویج بانک ملی، حمایت از تولید داخلی، تقبیح وابستگی اقتصادی	تکوین رژیم جدید حقیقت اقتصادی که بر پایه «عقلانیت مدرن» و «پیشرفت مادی» استوار است؛ جایگزینی نگاه دینی-موقفی به منابع با گفتمان مالی و تولیدی
اجتماعی	گفتمان آگاهی بخشی و حقوق اجتماعی	آموزش عمومی، مشارکت زنان در مسائل مالی (مانند خرید سهام بانک ملی)، نقد خرافات، تأکید بر بهداشت و مدرسه	بازتعریف سوژه اجتماعی بر مبنای فردی آگاه، مسئول و دارای حق؛ مقاومت در برابر رژیم سنتی حقیقت مبتنی بر اطاعت و تقلید
سیاسی	گفتمان مشارکت و قانون گرایی	حمایت از مجلس، تبلیغ مشروطه، نقد استبداد، ترویج انجمن های ایالتی	اعمال قدرت از مسیر مشروع سازی ساختارهای جدید (مجلس، انجمن، قانون) که با گفتمان های مشروعیت بخش سنتی (مانند بیعت با شاه) در تقابل است

جدول ۳- سازوکارهای گفتمانی در دفاع یا بازتولید سنت (منبع: نگارنده)

حوزه	سازوکار گفتمانی	نمونه های بازنمایی	تحلیل از منظر نظریه فوکو
------	-----------------	--------------------	--------------------------

اقتصادی	گفتمان عدالت‌طلبی شرعی	اعتراض به فشارهای اقتصادی، حمایت از صنوف سنتی، ذکر واژگانی چون «حلال»، «انصاف»	تداوم رژیم حقیقت‌فقهی در امور مالی؛ گفتمان عدالت مالی با خاستگاه دینی و اخلاقی جایگزین گفتمان صرفاً اقتصادی نمی‌شود
اجتماعی	گفتمان اخلاق و عرف دینی	دفاع از حجاب، خانواده سنتی، نقد بی‌عفتی ناشی از «فرنگی‌مآبی»	چالش با سوژه مدرن؛ بازنمایی زن و مرد مطلوب در چهارچوب گفتمان‌های نظارت سنتی (مانند خانواده، دین، جماعت مؤمن)
سیاسی	گفتمان مشروعیت دینی	همراهی علما با مشروطه، دفاع از روحانیت، نقش علما در انجمن‌ها	ترکیب گفتمان دینی با گفتمان مشروطه؛ مشروع‌سازی قدرت نوین از مسیر فقه و مرجعیت دینی به عنوان «رژیم حقیقت» مقبول

از منظر نظریه فوکو، مطبوعات مشروطه مشهد با بهره‌گیری از تکنیک‌های بازنمایی، نظام دانایی نوین را صورت‌بندی کردند که از خلال آن، سوژه ایرانی جدید، نه در تقابل کامل، بلکه در تنش دائم با سنت ساخته شد. سازوکارهای گفتمانی این مطبوعات هم مشروعیت‌بخش سنت بودند و هم به‌طور فعال در چالش با آن از مسیر نهادهای مدرن مشارکت داشتند.

۶. تحلیل تطبیقی نشریات مورد مطالعه

یافته‌ها نشان می‌دهد روزنامه‌ها تلاش کرده‌اند گفتمان‌های ترکیبی را ارائه کنند که از یک سو به مشروع‌سازی عناصر مدرن (آموزش، حقوق، قانون، تجارت نوین) پرداختند و از سوی دیگر برای جذب مشروعیت اجتماعی سنتی به آن‌ها پوشش اخلاقی یا شرعی دادند.

- **طوس و جهان زنان:** این دو نشریه، جسورانه‌ترین رویکردها را در تولید رژیم حقیقت مدرن داشتند. آن‌ها مفاهیم «حقوق»، «مشروطه» و «تغییر ساختار» را با صراحت بیشتری طرح می‌کردند. روزنامه طوس رویه ای روس ستیزانه با رویکرد ایرانیت و قانون‌گرایی داشت. در مقاله‌های متعدد به هویت ایرانی اشاره دارد. قانون و احترام به آن جایگاه ویژه‌ای در روزنامه دارد. روس دشمن اصلی ایرانیها و چهره استعماری معرفی می‌شود. گفتمان سیاسی این روزنامه‌ها پررنگ تر است و اقتصاد بومی را مورد توجه دارد. جهان زنان را فرخ دین پارسا برای آشنایی زنان با حقوق خویش بنیان نهاد. در این نشریه بر حق تساوی زن و مرد، آموزش، مشارکت اجتماعی زنان تأکید می‌شد. معتقد بود زن به عنوان مادر اگر نباشد اجتماعی حاصل نمی‌شود.^{۵۳}

- **خورشید و بشارت:** خورشید روزنامه میانه رو قبل از استبداد صغیر توسط محمد صادق تبریزی چاپ شد. این نشریه با گفتمان سیاسی مدرنیته پیوند داشته و به گونه‌ای بومی سازی شده از مفاهیم جدید، مانند قانون، مجلس، ملت و حقوق مدنی سخن می گفت. محتوای روزنامه نشان می دهد که چگونه مطبوعات نه تنها بازتاب دهنده‌ی وضعیت اجتماعی، بلکه فعالانه در تولید گفتمان مشارکت داشته‌اند. روزنامه بشارت اولین روزنامه مشروطه خواه مشهد روزنامه ای دینی است با رویکرد اجتماعی به نقد وضع مشهد پرداخته، به تاسیس مدارس جدید اشاره دارد. رژیم حقیقت آن تکیه بر تعلیم و تربیت با نگاه به سنت و نقش دین بود. روزنامه بشارت و خورشید رویکرد معتدل داشتند و سعی می کردند میان سنت مذهبی مشهد و مفاهیم مدرن نوعی تعادل برقرار کنند.

- **بهار و شرق ایران:** روزنامه بهار در دوره مشروطه ضد استعمار، ملی گرا و وطن پرست بود. دولت انگلیس بیشترین برخورد با این روزنامه را داشته و اشعار بسیاری در دفاع از وطن چاپ کرده است. محتوای مهم روزنامه را ریشه کنی فساد، اصلاحات اجتماعی، نقد دولتمردان در اطاعت از خارجیان می داند. شیخ احمد بهار آن را برای دفاع از مشروطه و مبارزه با خرافه ها و ترویج علم و ترقی خراسانیها چاپ می کرد. روزنامه شرق ایران دارای مضامین سیاسی علمی، ادبی و اخلاقی بود. از ناکارآمدی فرمانروایان قدیمی و فساد حاکم بر خراسان انتقاد می شد، به ضرورت حاکمیت قانون، امنیت، عدالت و استفاده از ابزارهای مدرن حکومتی مانند ژاندارمری و بانک تاکید دارد. مشکلات اقتصادی، قانون، اصلاحات، عدالت اجتماعی و سیاسی، فساد اداری، آموزش اجباری و اژگان پرتکرار این روزنامه هستند. از سنت های دینی به عنوان الهام بخش حرکت های اجتماعی و انقلابی بهره می گیرد. مدرنیته در قالب ایده هایی مانند اصلاحات اداری، حفظ استقلال، ترویج علم و مقابله با استبداد تجسم یافته است.

نتیجه گیری:

یافته های این مطالعه نشان می دهد که مطبوعات مشهد در این دوران، صرفاً طراح یا ناقل گفتمان های مدرن نبودند، بلکه به مثابه «تکنولوژی های قدرت»، نقشی کلیدی در تولید رژیم حقیقت جدید ایفا کردند. این رسانه ها با بازتعریف مفاهیم بنیادین، سعی در گسست از نظام دانایی سنتی و استقرار نظامی داشتند که در آن «قانون»، «عدالت» و «حقوق» بر مدار دانشی نوین صورت بندی می شد. یکی از مهم ترین دستاوردهای این پژوهش، تبیین فرآیند «سوژه سازی» در متن مطبوعات است. تحلیل گفتمانی نشان می دهد که مطبوعات (به ویژه طوس، شرق ایران و خورشید) از طریق «اراده به دانش»، در پی بر ساختن سوژه ای بودند که از جایگاه «رعیت» تابع محض به جایگاه «ملت» صاحب حق گذار کند. بنابراین، مفاهیمی چون «حقوق شهروندی» به مثابه یک «آرمان گفتمانی» برای تولید انسان ایرانی جدید واکاوی شده اند.

در حوزه زیست سیاست، یافته ها مؤید آن است که مطبوعات مشهد نطفه های اولیه مدیریت جمعیت و بدن را از طریق تأکید بر «بهداشت عمومی» و «آموزش نوین» پی ریزی کردند. اگرچه تحقق عینی این ساختارها در ابعاد گسترده به دوره پهلوی اول بازمی گردد

یافته‌ها نشان داد که مطبوعات مشهد برای غلبه بر مقاومت‌های سنت، از استراتژی «تلفیق» بهره می‌بردند؛ به این معنا که مفاهیم مدرنی چون «آزادی» و «قانون» را با آموزه‌های دینی و اسطوره‌های مذهبی (مانند قیام عاشورا و عدالت علوی) پیوند می‌زدند تا برای جامعه مذهبی مشهد مشروعیت تولید کنند.

در حوزه اقتصاد، مطبوعات مشهد با تولید گفتمان «استقلال» و «سرمایه‌داری بومی»، در برابر نفوذ استعمار ایستادگی کردند. آن‌ها با استفاده از واژگانی چون «حلال» و «انصاف»، رژیم حقیقتی را تولید کردند که در آن خرید کالای داخلی نه یک انتخاب اقتصادی، بلکه یک وظیفه گفتمانی و ملی بازنمایی می‌شد.

در نهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مطبوعات مشهد در بازه ۱۳۰۴-۱۲۸۵ ه.ش، موفق شدند گسستی جدی در نظم گفتار سنتی ایجاد کنند. اگرچه ناکامی‌های سیاسی و ساختارهای سنتی مانع از تحقق عینی تمام آرمان‌های مشروطه شد، اما دانش تولید شده در این رسانه‌ها، زیربنای فکری تحولات بعدی را شکل داد.

مطبوعات مشهد در عصر مشروطه، حکم «آینه‌هایی» را داشتند که برخلاف آینه‌های معمولی، به جای بازتاب دادن چهره‌ی واقعی و غبارآلود جامعه (سنت و فقر)، تصویری از «چهره‌ی مطلوب» (مدرنیته و قانون) را به نمایش می‌گذاشتند. اگرچه جامعه در آن زمان هنوز به آن تصویر بدل نشده بود، اما نگاه کردن مداوم به این آینه، به تدریج میل به تغییر را در ذهن نخبگان و سوزها بارور کرد.

منابع تحقیق:

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۶) تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمد ابراهیم فتحی، تهران: نشرنی، ۷۴
- آجدانی، لطف الله، (۱۳۸۹). انقلاب مشروطه و اندیشه تجدد، یاد ایام، ش ۵۹
- آدمیت، فریدون، ناطق، هما (۱۳۹۸). افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. - تهران: آگاه.
- احمدی، حمید، خوش بین، ملیحه (۱۳۹۳)، مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه، تاریخ اسلام و ایران دوره جدید بهار، ۲۱ (۱۱۱)، ۵-۳۴.
- بشیری، احمد (۱۳۶۲). کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس از انقلاب مشروطه ایران، تهران، نی، ج ۱.
- بیطرفان، محمد. (۱۳۹۳). بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت). مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. ۸ (4)، ۳۳-7
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۷). زن ایرانی در گذر از سنت به مدرن (مجموعه مقالات)، تهران: نیلوفر.
- حسینی زاده، سید محمد علی (1383). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی» علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۲۸،

- داوودی، علی اصغر (۱۳۸۹). «نظریه گفتمان و علوم سیاسی». فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۸: ۵۱-۷۴
- دریفوس، هیوبرت، رابینو، پل. (۱۳۸۹). میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- رسول اف، رامین، را سخ، کرامت الله (۱۳۹۷). نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح القدس و صور اسرافیل، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴(۵۰)، ۱۳-۳۴
- روزنامه مجلس، سال اول شماره ۵۴ ۱۵ شوال ۱۳۲۴ ق، ص ۴
- زارع، مهدی و دیگران (۱۴۰۲). بررسی نقش روزنامه‌های صدر مشروطه در شکست قیام (با تأکید بر چهار روزنامه حبل المتین، مساوات، صور اسرافیل و روح القدس)، دولت پژوهی ایران معاصر، ۹(۲)، ۶۷-۹۰
- زمریدیان، زینب؛ وطن دوست، غلامرضا، (۱۳۹۳). زنان و حقوق نویافته در روزنامه‌های تمدن، خورشید و کوكب دری. پژوهش‌های علوم انسانی، ۶(۳۳)، ۱۸۹-۲۱۷.
- صحت منش، رضا (۱۴۰۱). انگیزه‌ها و اهداف تأسیس کنسولگری بریتانیا در مشهد در عصر قاجار، تاریخ اسلام و ایران ۳۲ (۱۴۳)، ۱۰۱-۱۲۷.
- طولابی، توران. (۱۳۹۸). سیمای اجتماعی خراسان عصر مشروطه در آیین روزنامه خورشید. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۱ (۱)، ۱۱۳-۱۳۲.
- عباسی جواد، نجف زاده علی (۱۳۸۹). طلاب قفقازی و نقش آنان در تحولات سیاسی - اجتماعی مشهد در اواخر عصر قاجار (حدود ۱۳۲۰-۱۳۳۰ ق. / ۱۹۰۲-۱۹۱۱ م.). گنجینه اسناد، ش ۸۰، ۴۴-۶۰
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۰). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه ایزدی، پیروز و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها).
- قادری، ذکریا (۱۳۹۰). نقد گفتمان فلسفی مدرنیته: سوژه، حقیقت، و قدرت در اندیشه میشل فوکو، غرب شناسی بنیادی ۲ (۴)، ۱۲۷-۱۷۹
- کوهن، گوئل (۱۳۹۰). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. ترجمه‌ی علی رضا جباری. تهران: نشر نی.
- گودرزی بروجردی، معصومه و معینی، مینا. (۱۴۰۱). بازانگاری و تحلیل ساختار طبقات اجتماعی مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت (بر اساس اسناد کنسولی). پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ۱(۱)، ۱۹۵-۲۱۶.
- متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۹۲). تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی- اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی. مشهد: شورای اسلامی شهر مشهد: مرکز پژوهشها.
- ملک زاده، مهدی. (۱۳۵۸). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: علمی.
- ملکوت، سرنیواس، استیوس، اچ. لسللی (۱۳۸۸). ارتباطات و توسعه در جهان سوم. ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- میلز، سارا، (۱۳۸۹). میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، تهران، مرکز.

- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۷۱). تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.
- نصیری پور، الهام (۱۳۸۸). «علوم اجتماعی و مناسبات دانش-قدرت در اندیشه میشل فوکو». فرهنگ پژوهش، ۳، ۱۰۱-۱۲۰.
- وطن دوست، غلامرضا، زمردیان، زینب، (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی نشریات تمدن، خورشید و کوکب دری، پژوهش در تاریخ، ۱۳، ۱-۲۴.
- وطن دوست، غلامرضا، (۱۳۸۷). بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی،
- آرشیو روزنامه بشارت مشهد (۱۳۲۴-۱۳۲۵ ه.ق)
- آرشیو روزنامه بهار مشهد (۱۳۳۶-۱۴۴۰ ه.ق)
- آرشیو روزنامه خورشید مشهد (۱۳۲۵-۱۳۲۷ ه.ق)
- آرشیو روزنامه شرق ایران مشهد (۱۳۳۴-۱۳۳۹ ه.ق)
- آرشیو روزنامه طوس (۱۳۲۸ ه.ق)
- آرشیو نشریه جهان زنان مشهد (۱۲۹۹ ه.ق)
- Boroujerdi, M. (1996). *Iranian Intellectuals and the West. The Tormented Triumph of Nativism*. Syracuse University Press.
- Chehabi, H. E. (1990). *Iranian Politics and Religious Modernism: The Liberation Movement of Iran under the Shah and Khomeini*. Cornell University Press.
- Durkheim, E. (1893/1997). *The Division of Labor in Society*. Trans. W. D. Halls. Free Press.
- Foucault, M. (1969/2002). *The Archaeology of Knowledge*. Trans. A. M. Sheridan Smith. Routledge.
- Foucault, M. (1971/1991). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Trans. A. Sheridan. Penguin.
- Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*. Ed. C. Gordon. Pantheon Books.
- Foucault, Michel (1980). *The History of Sexuality*, Vol. 1. New York: Vintage.
- Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity*. Stanford University Press.
- Jorgensen & Philips (2002). *Discourse Analysis*. London: Sage.
- Simmel, G. (1903/1997). "The Metropolis and Mental Life." In D. Frisby and M. Featherstone (Eds.), *Simmel on Culture*. Sage Publications

نسخه پیش انتشار